

بی‌نظمی زمانی در منظومه خسرو و شیرین نظامی

تقی پورنامداریان*

هیوا حسن‌پور**

چکیده

منظومه خسرو و شیرین نظامی پس از مخزن/الاسرار سروده شده و در واقع دومین منظومه نظامی است. این منظومه یکی از منظومه‌های فاخر ادب فارسی است که بعد از نظامی شاعران بسیاری به نظیره‌گویی و استقبال آن روی آوردند. بررسی عنصر زمان روایی در این اثر و نشان دادن چگونگی بهره نظامی از آن در خلق داستان روشننگر مباحث فراوانی است و تفاوت نظامی را در چگونگی روایت داستان با شاعران پس از او نمایان می‌کند. در این پژوهش به بررسی یکی از شاخصه‌های زمان روایی یعنی زمان‌پریشی در خسرو و شیرین نظامی پرداخته شده است. بر اساس داده‌های این پژوهش، آشکار می‌شود که نظامی با انواع زمان‌پریشی (گذشته‌نگر و آینده‌نگر) نظام خطی روایت را شکسته و هر تمهید زمانی برای او در حکم مقدمه‌ای است برای کش‌دارتر کردن روایت. بسامد گذشته‌نگرهای مکرر بسیار زیاد است و همین یکی از دلایل اطناب این منظومه است و اغراضی مانند تأکید بر کنش انجام پذیرفته، تعلیل وقایع داستان، هنرنمایی نظامی در بیان چندباره موضوع و ... را در بر می‌گیرند. بسامد فراوان گذشته‌نگرها به نسبت آینده‌نگرها نیز تعلیق خواننده در داستان را رقم می‌زنند.

کلیدواژه‌ها: نظامی، خسرو و شیرین، روایت، زمان، ژنت.

۱. مقدمه

روایت‌شناسان متأخر «متونی را که دارای قصه و قصه‌گو هستند یک متن روایی می‌دانند ...

* استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، namdarian@ihcs.ac.ir

** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نویسنده مسئول)

hiva.hasanpoor@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۳/۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۵/۱۵

بعدها تودوروف (Tzvetan Todorov) در تعریف روایت علاوه بر رخ داده‌های قصه، به ویژگی بازنموده بودن آن در محدوده زمانی نیز اشاره کرد. از نظر او، متون روایی هم به چیزی ارجاع می‌کنند و هم این ارجاع دارای بازنموده (represented) زمانی است ... مایکل تولان (Michal J. Toolan) روایت را توالی ملموسی از حوادثی که به صورت غیرتصادفی در کنار هم آمده‌اند، می‌داند ... تودوروف نیز معتقد است که تغییر از وضعیتی به وضعیت دیگر از اصلی‌ترین ویژگی‌های روایت است و هر نوع تعریف درباره روایت با توجه به این ویژگی باید صورت پذیرد» (اخوت، ۱۳۷۱: ۸-۱۱).

یکی از وجوه بررسی‌های روایی بررسی و تحلیل عنصر زمان در آثار روایی است. تولان عقیده دارد: «عنصر زمان در متن، مفهومی ساختاردهنده است؛ چراکه رابط میان موقعیت‌های خاص یا تغییرات یک حالت را نشان می‌دهد» (تولان، ۱۳۸۳: ۵۴). ژرار ژنت یکی از نظریه‌پردازان برجسته در این زمینه است. بحث اصلی مؤلفه زمان براساس آرای ژنت به ارتباط میان زمان گاه‌شمارانه در سطح داستان و زمان سطح متن مربوط است. زمان داستان رابطه گاه‌شمارانه میان حوادث داستان است؛ به گونه‌ای که در اصل رخ داده و زمان متن به چگونگی جایگزین کردن این حوادث در متن ارتباط دارد (حری، ۱۳۸۷: ۹۷).

ژنت نخست زمان روایی را به سه مقوله کلی (نظم، تداوم، و بسامد) تقسیم می‌کند و سپس برای هر یک ویژگی‌ها و خصوصیتی که باعث تفکیک آن‌ها می‌شود در نظر می‌گیرد. در این پژوهش فقط با بخش اول نظریه ژنت سر و کار داریم و بی‌نظمی زمانی، انواع، و دلیل یا دلایل آن را در منظومه خسرو و شیرین بررسی می‌کنیم و سپس هریک از آن‌ها را برای درک هرچه بهتر در قالب نمودار ترسیم می‌کنیم. بررسی بی‌نظمی زمانی در خسرو و شیرین افزون بر مشخص کردن تمهیدات نظامی برای خروج از نظام خطی زمان ساختار زمان روایی روایت‌های کلاسیک را نیز تا حدودی روشن می‌کند؛ زیرا نظامی یکی از برجسته‌ترین و سرآمدترین داستان‌سرایان ادب فارسی است و دیگر داستان‌سرایان بعد از او می‌کوشیدند ساختار روایت‌های خود را با توجه به شیوه‌های داستان‌سرایان او پی‌ریزی کنند. استقبال و پیروی امیرخسرو دهلوی در آثارش از نظامی گواه این مدعاست.

۲. پیشینه پژوهش

به‌رغم سابقه اندک پژوهش‌های روایت‌شناختی در ایران، امروزه حجم عمده‌ای از تحقیقات و پژوهش‌های ادبی به بررسی‌های روایی اختصاص یافته است که از این میان می‌توان به پژوهش‌های موفق اشاره کرد که راه را برای دیگر پژوهش‌ها روشن و باز کردند. از جمله

این پژوهش‌ها می‌توان به کتاب‌های *روایت‌شناسی داستان‌های مثنوی* از سمیرا بامشکی، *بوطیقای روایت در مثنوی* از حمیدرضا توکلی، *روایت داستانی: بوطیقای معاصر* از ریمون کنان، ترجمه ابوالفضل حری و همچنین مقالات بسیاری که در این زمینه نوشته شده‌اند، مانند «درآمدی بر رویکرد روایت‌شناختی به داستان روایی...» از حری که بخشی از مقاله به زمان و کارکرد آن در متن اختصاص داده شده است؛ «زمان و روایت در *رمان شب هول*» از حسین بیات و *عسگر عسگری* که به کارکردهای زمان و ارتباط آن با رمان نو پرداخته شده است؛ «تحلیل عنصر زمان در حکایتی از مثنوی محیط اعظم بیدل دهلوی» از محمد سعید میرزایی و *مریم صالحی‌نیا* و *پایان‌نامه‌ها و رساله‌هایی* مانند «*پژوهشی در تاریخ بیهقی* بر بنیاد دانش روایت‌شناسی» از محمد راغب، که موضوع اصلی رساله بررسی عنصر زمان در *تاریخ بیهقی* است اشاره کرد.

در این میان، با توجه به جست‌وجوی نگارندگان، آنچه با پژوهش حاضر ارتباط مستقیم داشته باشد و زمان را در خسرو و شیرین نظامی بررسی کرده باشد یافت نشد. نکته‌ای که درباره پژوهش حاضر و وجه تمایز آن با پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان ذکر کرد آن است که در این پژوهش تحلیل‌ها بر پایه بسامد گذشته‌نگرها و آینده‌نگرها انجام شده است و برای فهم دامنه و گستره آن‌ها نموداری که نشان‌دهنده وضعیت تقریبی آن‌ها باشد ترسیم شده است. نکته دیگر نیز توجه به دلایل و اهداف گذشته‌نگری‌ها و آینده‌نگری‌هاست که جز در پژوهش بامشکی و راغب تقریباً در دیگر پژوهش‌ها توجهی بدان‌ها نشده است و امروزه پژوهش‌های زمانی پژوهش‌هایی قالب‌بندی شده هستند بدون رسیدن به بوطیقای به‌کارگیری زمان در اثر مورد بررسی.

۳. بیان مسئله

۱.۳ نظم (order) و ترتیب (توالی)

نخستین موضوع مد نظر ژنت در روایت «شیوه ارائه ترتیب زمانی رخ‌دادها و کنش‌های مثلاً یک رمان (طرح اولیه «fibula» نزد فرمالیست‌ها) در داستان‌های عینی (طرح روایی «syuzhet») است» (برتنس، ۱۳۸۳: ۸۷). ژنت ناهماهنگی در ترتیب و نظم رویدادها در گفتمان روایی با ترتیب و نظم همان روی‌دادها در داستان را زمان‌پریشی (anachronies) می‌نامد (Genette, 1980: 23). به دیگر سخن، وی «هرگونه انحراف در ترتیب ارائه وقایع در متن را نسبت به ترتیب آشکار وقوعشان در داستان نابهنگامی می‌داند» (تولان، ۱۳۸۳: ۷۹).

۱.۱.۳ زمان پریشی گذشته‌نگر (analepsis) (پس‌نما، پس‌نگاه)

گذشته‌نگری، که از آن به پس‌نما، پس‌نگاه، و پس‌نگری نیز تعبیر می‌کنند، نوعی نگاه به عقب است؛ یعنی رویداد داستانی که از لحاظ زمانی زودتر اتفاق افتاده است، اما بعداً در متن نقل می‌شود. پس‌نما بر سه نوع است: پس‌نمای بیرونی، درونی، و مختلط (مرکب).

پس‌نمای بیرونی به پس‌نمایی گفته می‌شود که به محدوده‌ای خارج از زمان اصلی پیرنگ ارجاع داده می‌شود. پس‌نمای درونی به پس‌نمایی گفته می‌شود که به محدوده‌ای در زمان اصلی پیرنگ ارجاع داده می‌شود (بردول، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۶۱).

اگر دوره‌ای را که گذشته‌نگر در بر می‌گیرد پیش از نقطه آغاز اولین روایت آغاز شود، اما در مرحله بعدتر داستان این دوره به اولین روایت متصل شود یا از آن جلوتر برود، آن‌گاه گذشته‌نگر «مرکب» خواهد بود (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۶۷).

۲.۱.۳ زمان پریشی آینده‌نگر (prolepsis) (پیش‌نما، پیش‌نگاه)

در این نوع زمان پریشی روایت نگرشی به جلو (flash forward) دارد و رویدادهایی از داستان، که در آینده اتفاق می‌افتند، قبل از زمان وقوع خود نقل می‌شوند. «پیش‌نگاه از پس‌نگاه نادرتر است و اغلب در روایت اول شخص دیده می‌شود» (لوت، ۱۳۸۶: ۷۵)؛ زیرا «در این روایات طبیعی به‌نظر می‌رسد که راوی هر از گاهی به وقایع بعدی، که به زمان حال خود آن راوی نزدیک‌ترند، جهشی داشته باشد» (تولان، ۱۳۸۳: ۸۶).

این نوع زمان پریشی باعث کم شدن یا از بین رفتن میزان تعلیق می‌شود؛ به این علت که «تقدم شرایط و موقعیت‌های آینده را خیلی پیش از آن‌که هرگونه ضرورت زمانی گفتن آن را ایجاب کند، برای خواننده آشکار می‌نماید» (همان: ۸۵). زمان پریشی از نوع آینده‌نگر نیز مانند گذشته‌نگر، ممکن است بسته به روابط زمانی آن در برابر نقطه پایانی روایت اصلی، درونی، بیرونی، و مرکب باشد.

در پایان، نکته‌ای که درباره گذشته‌نگرها و آینده‌نگرها شایان ذکر است بحث انطباق و بررسی آن‌ها در متون ادبی است. امروزه پژوهش‌هایی که در این حیطه انجام می‌شوند به نشان دادن گذشته‌نگرها و آینده‌نگرها در متن پژوهش شده و در نهایت ذکر یک یا دو مثال بسنده می‌کنند. این در حالی است که تقریباً درباره همه متون می‌توان این کار را انجام داد و به نتیجه‌ای واحد نیز رسید. آنچه مهم است معنادار شدن اثر ادبی در ارتباط با نظریه است. به‌نظر می‌رسد یکی از راه‌ها بسامدی کردن موارد بررسی شده و تحلیل بر پایه آن بسامدهاست. برای نمونه، در این مقاله بسامد بیش‌تر گذشته‌نگرها در ارتباط با آینده‌نگرها

دلیل بر تعلیق در داستان است. هم‌چنین بسامد زیاد گذشته‌نگرهای مکرر در مقایسه با گذشته‌نگرهای مکمل دلیل بر توجه نظامی به اطناب در داستان، تأکید بر کنش انجام‌شده، تعلیل وقایع داستان و شاید هنرنمایی او در بیان چندبارهٔ یک موضوع است. نکتهٔ دیگر بحث اهداف و اغراض گذشته‌نگرها و آینده‌نگرهاست که بامشکی در پژوهش خود به‌خوبی به آن‌ها اشاره کرده است و تقسیم‌بندی‌های جالب و مبسوطی نیز از آن‌ها به‌دست داده است. بدون ذکر این دو مورد به‌نظر می‌رسد همهٔ پژوهش‌ها شبیه به هم و دارای نتایج یک‌سانی می‌شوند.

۴. گذشته‌نگرهای خسرو و شیرین

در منظومهٔ خسرو و شیرین ۲۱ مورد گذشته‌نگری دیده می‌شود.

۱. آن‌جا که افرادی خبر بی‌رسمی و ظلم و ستم خسرو را برای پدرش (هرمز) می‌برند:

که خسرو دوش بی‌رسمی نموده است	ز شاهنشہ نمی‌ترسد، چه سود است؟ ...
سمندش کشتزار سبز را خورد	غلامش غورهٔ دهقان تبه کرد
شب از درویش بستند جای تنگش	به نامحرم رسید آواز چنگش

(همان: ۴۵)

این گذشته‌نگری همراه با بازگویی واقعه است.

۲. آن‌جا که خسرو نیای خود را به خواب می‌بیند و بشارت به‌دست آوردن بهتر از آن‌چه که از دست داده است بدو می‌دهد، علاوه بر آینده‌نگری، گذشته‌نگری نیز به همراه دارد. از طرفی، مژدهٔ به‌دست آوردن پاره‌ای چیزها را در آینده می‌دهد و از طرف دیگر، با اشاره به گذشته و چیزهایی که از دست داده است، روایت پی گرفته می‌شود:

اگر شد چار مولای عزیزت	بشارت می‌دهم بر چار چیزت
یکی چون ترشی آن غوره خوردی	چو غوره زان ترشروی نکردی ...
دوم چون مرکبت را پی بریدند	وزان بر خاطرت گردی ندیدند ...
سیم چون شه به دهقان داد تختت	وزان تندی نشد شوریده بختت ...
چهارم چون صبوری کردی آغاز	در آن پرده که مطرب گشت بی‌ساز ...

(همان: ۴۷-۴۸)

گفتنی است هر چهار مورد در گذشته‌ای نزدیک رخ داده‌اند:

ملک فرمود تا خنجر کشیدند تکاور مرکبش را پی بریدند ...

(همان: ۴۵)

۳. آن‌جا که شاپور خسرو را به شیرین معرفی می‌کند می‌گوید:

خیالت را شبی در خواب دیده است از آن شب عقل و هوش از وی رمیده است
نه می‌نوشد نه با کس جام گیرد نه شب خسبد نه روز آرام گیرد
بی‌جز شیرین نخواهد هم‌نفس را بدین تلخی می‌دادا عیش کس را
مرا قاصد بدین خدمت فرستاد تو دانی نیک و بد کردم ترا یاد

(همان: ۷۰)

که اشاره به رخداد اولیه داستان است؛ آن‌جا که خسرو شاپور را برای به‌دست آوردن شیرین به ملک ارمن می‌فرستد:

ترا باید شدن چون بت‌پرستان به‌دست آوردن آن بت را به دستان ...

(همان: ۵۵)

نکته‌ای که در این گذشته‌نگری حائز اهمیت است نیرنگ شاپور است. این‌که شاپور می‌گوید: خسرو تو را به خواب دیده است و نمی‌گوید که من تو را به او معرفی کرده‌ام فریب است و این خواب آن خواب دیدن خسرو نیای خود را نیست؛ چراکه کسی از آن خواب اطلاع ندارد و خسرو آن را برای کسی بازگو نکرده است. به هر روی، این سخنان شاپور به گذشته‌ای مشخص اشاره دارد؛ هرچند که پاره ابتدایی سخنان حقیقت ندارد (و این به دلیل خواسته خسرو است). به همین دلیل است که نظامی پایان سخنان شاپور را بدین‌گونه توصیف می‌کند:

چو از گفتن فراغت یافت شاپور دمش در مه گرفت و حيله در حور

(همان: ۷۲)

۴. آن‌جا که مهین بانو به لشکریان خود اجازه نمی‌دهد به دنبال شیرین و شب‌دیز بگردند،

نظامی دلیل این کار را خوابی معرفی می‌کند که پیش از این مهین بانو دیده است:

چو در خواب این بلا را بود دیده که بودی بازی از دستش پریده
چو حسرت خورد از پرواز آن باز همان باز آمدی بر دست او باز

(همان: ۷۵)

تقی پورنامداریان و هیوا حسن پور ۷

این خواب پیش از این در داستان بیان نشده است و جزو گذشته‌نگرهای برون‌داستانی است. این گذشته‌نگر آینده‌نگر نیز است؛ زیرا به باز آمدن شیرین به ملک ارمن نیز اشاره دارد و به نوعی بازنگری گذشته با پیش‌بینی آینده در هم می‌آمیزد.

۵. آن‌جا که شیرین به مداین می‌رسد و خود را معرفی می‌کند، نظامی در وصفش می‌گوید:

گل وصلش به باغ وعده بشکفت فرو آسود و ایمن گشت و خوش خفت ...

(همان: ۸۹)

که وعده در این بیت اشاره به وعده‌های شاپور دارد و شیرین به خاطر همان وعده‌ها به‌سوی مداین حرکت کرد:

چو ره یابی به اقصای مداین روان بینی خزاین بر خزاین
ملک را هست مشکویی چو فرخار در آن مشکو کنیزانند بسیار ...
در آن گلشن چو سرو آزاد می‌باش چو شاخ میوه تر شاد می‌باش

(همان: ۷۲)

۶. بعد از آن‌که شیرین به مداین می‌رسد و ماجرای خسرو را می‌فهمد، یاد چشمه‌سار و جوان نظاره‌گر می‌افتد و می‌فهمد که او خسرو بوده است:

حقیقت شد ورا کان یک‌سواره که می‌کرد اندرو چندان نظاره
جهان‌آرای خسرو بود کز راه نظر می‌کرد چون خورشید در ماه

(همان: ۹۰)

۷. سخنان شاپور برای خسرو در ملک ارمن همراه با بازگویی وقایع است:

وز اول تا به آخر آن‌چه دانست فرو خواند آن‌چه خواندن می‌توانست
از آن پنهان شدن چون مرغ از انبوه وزان پیدا شدن چون چشمه در کوه ...

(همان: ۱۰۰)

این گذشته‌نگری بیش از بیست بیت را در بر می‌گیرد؛ در حالی که همه این وقایع، که برای خسرو بازگو می‌شود، قبلاً رخ داده است و خواننده کاملاً در جریان داستان است و نظامی با این کار جدا از نشان دادن هنرنمایی خود در بیان چندباره یک موضوع، داستان را نیز به درازا می‌کشد.

۸. بعد از سخنان شاپور، خسرو نیز یاد چشمه‌سار می‌افتد و مطمئن می‌شود کسی را که

دیده شیرین بوده است. این گذشته‌نگری فقط در دو بیت بیان شده است:

۸ بی‌نظمی زمانی در منظومه خسرو و شیرین نظامی

حدیث چشمه و سرشستن ماه درستی داد قولش را بر شاه
ملک نیز آنچه در ره دید یکسر یکایک بازگفت از خیر و از شر

(همان: ۱۰۶)

۹. بعد از آن‌که شاپور از جانب خسرو و مهین بانو برای بازگرداندن شیرین به مداین می‌آید، شیرین را در جایی دلگیر می‌یابد و شیرین قضیه را برای او بازگو می‌کند که:

بدان مشکو که فرمودی رسیدم در او مشتی ملامت دیده دیدم
به هم کرده کنیزی چند جماش غلام وقت خود کای خواجه، خوش باش ...

(همان: ۱۰۶)

این گذشته‌نگری حدود ده بیت را به خود اختصاص داده است؛ در حالی که تمامی وقایع برای خواننده و مخاطب منظومه به دلیل وقوعشان کاملاً آشکار است.

۱۰. در بخش «افسانه گفتن شیرین» سخنان شیرین همراه با گذشته‌نگری است:

ز شرم اندر زمین می‌دید و می‌گفت که دل بی‌عشق بود و یار بی‌جفت
چو شاپور آمد اندر چاره‌کار دلم را پاره کرد آن پاره‌کار

(همان: ۱۳۶)

که اشاره به آمدن شاپور به ملک ارمن و کشیدن تمثال خسرو و عاشق کردن شیرین دارد.
۱۱. در بخش «افسانه گفتن خسرو» سخنان خسرو همراه با گذشته‌نگری است. او به صورت استعاره به خوی و خصلت خود در گذشته اشاره می‌کند که قبل از آشنا شدنش با شیرین همانند شیری سرکش بوده است:

چو دور آمد به خسرو گفت: باری سیه شیری بُد اندر مرغزاری
گوزنی بر ره شیر آشیان کرد رسن در گردن شیر زیان کرد
من آن شیرم که شیرینم به نخجیر به گردن بر نهاد از زلف زنجیر

(همان: ۱۳۷)

۱۲. آن‌جا که خسرو بر بهرام چوبین پیروز می‌شود و دوباره بر تخت می‌نشیند به یاد عیش و نوش و می‌گساری‌اش در باغ با شیرین می‌افتد و از آن با حسرت یاد می‌کند:

شبی در باغ بودم خفته با یار به بالین برنشسته بخت بیدار
چو بختم خفت و من بیدار گشتم بدین سان بی‌دل و بی‌یار گشتم

کجا آن نو به نو مجلس نهادن؟ بهشت عاشقان را در گشادن؟ ...

(همان: ۱۶۷)

این گذشته‌نگری بیش‌تر از ۳۵ بیت را در بر گرفته است.

۱۳. شیرین بعد از جدایی خسرو و رفتن او به جانب روم از کرده خود پشیمان می‌شود و با حسرت به گذشته نگاه می‌کند:

گهی با بخت گفتمی کای ستمکار نکردی تا تویی زین زشت‌تر کار
مرادی را که دل بر وی نهادی به‌دست آوردی و از دست دادی
فرو شد ناگهان پایش به گنجی ز دست افشاندی‌اش بی‌پای رنجی ...

(همان: ۱۷۲)

این گذشته‌نگری بیش‌تر از ۵۰ بیت را به خود اختصاص داده است.

۱۴. آن‌جا که شیرین خبر بر تخت نشستن خسرو را می‌شنود از ازدواج خسرو با مریم تنگ‌دل می‌شود؛ زیرا:

ملک را داده بود در روم سوگند که با کس درنسازد مهر و پیوند

(همان: ۱۸۲)

و این واقعه به شرط و شروط مریم با خسرو اشاره دارد؛ آن‌جا که خسرو برای یاری گرفتن در جنگ با بهرام چوبین به قیصر روم پناه می‌برد:

دو شه را در زفاف خسروانه فراوان شرط‌ها شد در میانه

(همان: ۱۶۰)

۱۵. در بخش «فرستادن خسرو، شاپور را برای طلب شیرین» خسرو می‌گوید:

من از بهر صلاح دولت خویش نیارم رغبتی کردن بدو بیش
که ترسم مریم از بس ناشکیبی چو عیسی برکشد خود را صلیبی

(همان: ۱۹۸)

که این ابیات به سوگند خوردن مریم پیش خسرو اشاره دارد که چندی پیش روی داده است:

پس آن‌گه بر زبان آورد سوگند به هوش زیرک و جان خردمند
به تاج قیصر و تخت شهنشاه که گر شیرین بدین کشور کند راه

به گردن بر نهم مشکین رسن را برآویزم ز جورتن خویشان را ...

(همان: ۱۹۷)

۱۶. آن‌جا که شاپور پیام خسرو را برای شیرین می‌برد می‌گوید:

از آن او را چننین آزرَم دارد که از پیمان قیصر شرم دارد

(همان: ۱۹۸)

که این سخنان به پیمان ابتدایی خسرو در هنگام کمک گرفتن از قیصر روم اشاره دارد:

دو شه را در زفاف خسروانه فراوان شرطها شد در میانه

(همان: ۱۶۰)

۱۷. آن‌جا که شاپور فرهاد را برای کندن جوی شیر به شیرین معرفی می‌کند

گذشته‌نگری وجود دارد. شاپور می‌گوید:

که ما هر دو به چین هم‌زاد بودیم دو شاگرد از یکی استاد بودیم

چو هر مایه که بود از پیشه برداشت قلم بر من فگند او تیشه برداشت

(همان: ۲۱۷)

این گذشته‌نگری به مناسبت ورود فرهاد به داستان است و در حکم فضاسازی است برای معرفی شخصیت فرهاد. این گذشته‌نگری جزو گذشته‌نگری‌های برون‌داستانی است.

۱۸. آگاهی خسرو از رفتن شیرین نزد فرهاد با گذشته‌نگری همراه است:

در آن مدت که شد فرهاد را دید نه کوه آن قلعهٔ پولاد را دید

خبر دادند سالار جهان را که چون فرهاد دید آن دلستان را ...

(همان: ۲۵۳-۲۵۴)

۱۹. آن‌جا که خسرو و شیرین برای آخرین بار با هم به گفت‌وگو می‌پردازند، شیرین

خطاب به خسرو می‌گوید:

مکن پرده‌داری در مهد شاهان ترا آن بس که کردی در سپاهان

تو با شکر توانی کرد این شور نه با شیرین که بر شکر کند زور

(همان: ۳۰۸)

که این سخنان اشاره به ماجرای رفتن خسرو به سپاهان و به می نشستن با شکر دارد که پیش از این در داستان بدان اشاره شده است:

برون آمد شکر با جام جلاب دهانی پرشکر، چشمی پر از خواب
شکر نامی که شکر ریزد او بود نباتی کز سپاهان خیزد او بود ...

(همان: ۲۸۰)

۲۰. آن جا که خسرو و شیرین برای آخرین بار با هم به گفت و گو می پردازند شیرین خطاب به خسرو می گوید:

مرا آن روز شادی کرد بدرود که شیرین را رها کردی به شهرود

(همان: ۳۳۵)

که اشاره به رفتن خسرو از نزد شیرین به جانب روم دارد که پیش از این در داستان بدان اشاره شده است:

ملک را گرم کرد آن آتش تیز چنانک از خشم شد بر پشت شبدیز
به تندی گفت: من رفتم شبت خوش گرم دریا به پیش آید گر آتش ...

۲۱. در پایان داستان و به مناسبت ورود شیرویه به داستان نظامی با گذشته نگری روایت را پی می گیرد:

شنیدم من که آن فرزند قتال در آن طفلی که بودش قرب نه سال
چو شیرین را عروسی بود می گفت که شیرین کاشکی بودی مرا جفت

(همان: ۴۱۲)

این گذشته نگری در داستان پیش از این بیان نشده و جزو گذشته نگرهای برون داستانی است.

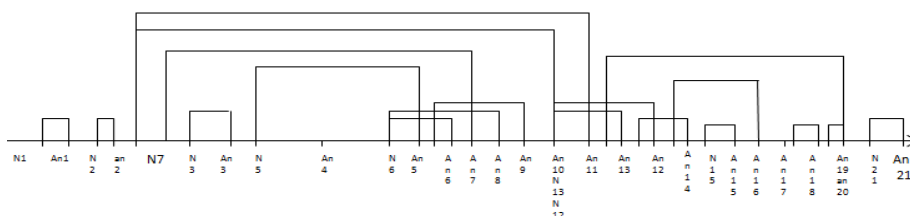
در ادامه برای فهم بهتر گذشته نگری و دامنه و گستره آن گذشته نگرها را به صورت علائم اختصاری روی نمودار نشان می دهیم. برای هر گذشته نگر از علامت اختصاری *an*، مخفف *analepsis*، به معنی گذشته نگر استفاده شده است و به تناسب هر گذشته نگر شماره ای برای متمایز شدن آن ها از یک دیگر و ارتباطشان با زمان ارجاع قید شده است. زمان ارجاع نیز با حرف *n* مشخص شده است و به تناسب گذشته نگرها و شماره آن ها تعداد *n* ها و شماره آن ها نیز تغییر می کند. برای نمونه زمان ارجاع گذشته نگر *an1* با *n1* مشخص شده است و *an2* با *n2* و الی آخر.

۱.۴ گذشته‌نگرها

- An1: رساندن خبر بی‌رسمی خسرو پرویز به پدرش هرمز.
- An2: خسرو نیای خود را به خواب می‌بیند.
- An3: آن‌جا که شاپور خسرو را به شیرین معرفی می‌کند.
- An4: مهین بانو به دلیل خوابی که دیده است اجازه گشتن به دنبال شیرین را به لشکریانش نمی‌دهد.
- An5: شیرین هنگام رسیدن به مداین وعده‌های شاپور را به یاد می‌آورد.
- An6: شیرین در مداین یاد جوان نظاره‌گر در چشمه‌سار می‌افتد.
- An7: بازگویی ماقوع برای خسرو در ملک ارمن توسط شاپور.
- An8: خسرو در ملک ارمن یاد چشمه‌سار می‌افتد.
- An9: بازگویی ماقوع برای شاپور در مداین توسط شیرین.
- An10: در بخش «افسانه گفتن شیرین» سخنان شیرین همراه با گذشته‌نگری است.
- An11: در بخش «افسانه گفتن خسرو» سخنان خسرو همراه با گذشته‌نگری است.
- An12: خسرو بعد از بر تخت نشستن دوباره عیش و نوش در ملک ارمن را به یاد می‌آورد.
- An13: شیرین بعد از جدایی خسرو و رفتن او به جانب روم از کرده خود پشیمان می‌شود و با حسرت گذشته را یاد می‌کند.
- An14: شیرین شرط و شروط ازدواج خسرو با مریم را می‌شنود.
- An15: خسرو شاپور را پنهانی به طلب شیرین می‌فرستد؛ چراکه مریم پیش از این سوگند یاد کرده است.
- An16: پیام شاپور برای شیرین همراه با گذشته‌نگری است.
- An17: معرفی فرهاد به شیرین به واسطه شاپور همراه با گذشته‌نگری است.
- An18: آگاهی خسرو از رفتن شیرین نزد فرهاد همراه با گذشته‌نگری است.
- An19: شیرین جریان شکر اصفهانی را به رخ خسرو می‌کشد.
- An20: گفت‌وگوی آخر شیرین و خسرو همراه با گذشته‌نگری است.
- An21: در پایان داستان و به مناسبت ورود شیرویه به داستان نظامی با گذشته‌نگری روایت را پی می‌گیرد.

۲.۴ زمان ارجاع گذشته‌نگرها

- N1: بی‌رسمی و ظلم و ستم خسرو پرویز.
 N2: هرمز خسرو را تنبیه می‌کند و اسباب برتری و بزرگی او را می‌گیرد.
 N3: سخن گفتن شاپور از شیرین برای خسرو.
 N4: مهین بانو خواب می‌بیند (نامشخص).
 N5: شاپور به شیرین وعده می‌دهد.
 N6: خسرو شیرین را در چشمه‌سار نظاره می‌کند.
 N7: رسیدن شاپور به ملک ارمن و ماجرای او با شیرین در راه عاشق کردن شیرین بر خسرو.
 N8: خسرو شیرین را در چشمه‌سار نظاره می‌کند.
 N9: رسیدن شیرین به مداین و ماجرای برخورد کنیزان دربار خسرو با او.
 N10: قبل از ورود شاپور به ملک ارمن و عیش و نوش با شیرین و دختران.
 N11: قبل از آشنا کردن خسرو با شیرین به واسطه شاپور.
 N12: رسیدن خسرو به ملک ارمن و عیش و نوش با شیرین و دختران.
 N13: زمانی که خسرو در ملک ارمن نزد شیرین بود.
 N14: رفتن خسرو به ملک روم برای کمک گرفتن در جنگ با بهرام چوبین.
 N15: سوگند یاد کردن مریم نزد خسرو.
 N16: وعده‌های خسرو به مریم هنگامی که با او ازدواج می‌کند.
 N17: شاگردی کردن شاپور و فرهاد با هم در چین (نامشخص).
 N18: رفتن شیرین به کوه بیستون و دیدن هنرنمایی فرهاد.
 N19: رفتن خسرو به سپاهان و به می‌نشستن با شکر اصفهانی.
 N20: خسرو شیرین را ترک می‌کند و به جانب روم می‌رود.
 N21: ازدواج خسرو با شیرین.



نمودار ۱. دامنه و گستره گذشته‌نگرها در منظومه خسرو و شیرین

با توجه به نمودار مشخص می‌شود دامنه (reach) گذشته‌نگرها تا چه اندازه با هم اختلاف دارند. دامنه «دوره زمانی درون یک نابهنگامی است» (Prince, 2003: 81). گستره (extent) این گذشته‌نگرها هم با زمان ارجاعشان کاملاً مشخص می‌شود. گستره «فاصله زمانی میان یک نابهنگامی و لحظه حال داستان است» (ibid: 29).

با توجه به anها و anها دامنه گذشته‌نگرها مشخص و روشن است. با وجود این، ذکر نکاتی درباره زمان ارجاع گذشته‌نگرها ضروری به نظر می‌رسد:

۱. گستره برخی از گذشته‌نگرها محدوده زمانی «تقریباً» مشخصی را در بر می‌گیرد؛ بنابراین نقطه شروع و ارجاع آن‌ها روی نمودار تقریبی است. برای نمونه، an11 (افسانه گفتن خسرو) را می‌توان مثال آورد که در آن خسرو به گذشته خود (قبل از آشنایی با شیرین) اشاره می‌کند. این گذشته‌نگر زمان دقیق و مشخصی ندارد و محدوده زمانی تقریباً گسترده‌ای از زندگی خسرو را (از زمان بچگی تا شنیدن اوصاف شیرین) در بر می‌گیرد. همین‌طور است an9 که زمان ارجاع آن از وارد شدن شاپور به ملک ارمن تا عاشق کردن شیرین بر خسرو را در بر می‌گیرد؛

۲. گذشته‌نگرهای an4، an10، an17، و an21 گذشته‌نگرهای برون‌داستانی است؛ زیرا زمان ارجاعشان در منظومه ذکر نشده است و خواننده با توجه به اطلاعاتی که راوی در اختیارش می‌گذارد می‌فهمد که رخ‌دادهایی پیش از رخ‌داد مد نظر به‌قوع پیوسته است. این رخ‌دادها از آن‌جا که پیش از این در داستان رخ نداده‌اند و خواننده از آن‌ها اطلاعی ندارد اصولاً همراه با توضیحی، هرچند اندک، بیان می‌شوند؛

۳. بسامد کم گذشته‌نگرهای برون‌داستانی و توجه نظامی به گذشته‌نگرهای درون‌داستانی یکی از دلایل اطناب و طولانی شدن منظومه خسرو و شیرین است. به دیگر سخن، نظامی در بازگویی وقایعی که اتفاق افتاده است و پیش از این نیز مفصل بدان پرداخته شده است ابایی ندارد؛

۴. گذشته‌نگرهای an10 و an11 به نسبت سایر گذشته‌نگرها گستره بیش‌تری را به خود اختصاص داده‌اند. دلیل این امر را شاید بتوان حس نوستالژیک گذشته بیان کرد. دو شخصیت اصلی داستان در این بخش به گذشته خود اشاره دارند و از آن‌جا که این رجوع به گذشته بار عاطفی و نوستالژیکی دارد، طبیعی است که به دوران دوری در گذشته اشاره داشته باشد.

۳.۴ انواع گذشته‌نگری و اهداف آن‌ها

بامشکی در *روایت‌شناسی داستان‌های مثنوی گذشته‌نگرها* را به‌صورت کلی به دو شاخه

تقسیم می‌کند: گذشته‌نگری مکرر و گذشته‌نگری مکمل و در ادامه درباره هریک می‌نویسد: «نقش گذشته‌نگری مکمل یا بازگشت‌ها [ی برون‌داستانی]، پُر کردن شکاف‌های پیشین متن روایی است که در نتیجه حذف‌ها حاصل می‌شود» (بامشکی، ۱۳۹۱: ۳۳۴) و گذشته‌نگر مکرر نیز «عبارت است از گفتن دوباره و مجدد رویدادهای گذشته که تاکنون ذکر شده است» (همان: ۳۴۲). هریک از گذشته‌نگرهای مذکور نیز اهدافی را دنبال می‌کنند. در خسرو و شیرین نظامی، هجده مورد از گذشته‌نگری‌ها مکرر و فقط سه مورد مکمل‌اند. به عبارت دیگر، هجده مورد از گذشته‌نگری‌ها درون‌داستانی و سه مورد برون‌داستانی است. گذشته‌نگرهای مکرر به ترتیب عبارت‌اند از: ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و گذشته‌نگرهای مکمل عبارت‌اند از: ۴، ۱۷ و ۲۱.

۴.۴ اهداف گذشته‌نگرها

با توجه به سیر رخدادها و هم‌چنین داده‌های متنی، می‌توان اهدافی را برای گذشته‌نگری‌های مکرر قائل شد. از آن‌جا که گذشته‌نگرهای مکرر به بازگویی و یادآوری رخداد یا واقعه می‌پردازند؛ بنابراین تأکید لازم و ملزوم اهداف آن‌هاست. برخی از گذشته‌نگرهای مکرر با هدف تأکید بر انجام «کنش انجام‌پذیرفته» در داستان گنجانده شده‌اند. برای نمونه گذشته‌نگری شماره ۱ (اطلاع دادن ظلم و ستم خسرو به هرمز) بیش‌تر برای برجسته کردن ظلم و ستم خسرو (و نیز تأکید بر عدالت محور بودن حاکم و حکومت وقت) در داستان گنجانده شده است. پس آنچه بر آن تأکید شده کنش خسرو است. هم‌چنین است گذشته‌نگر شماره ۷ (بازگویی مآووقع برای خسرو توسط شاپور) که شاپور رخدادها را به دلیل تأکید بر کنش‌های انجام‌شده بازگو می‌کند. به همین دلیل، آنچه در این دسته از گذشته‌نگری‌های مکرر برجسته می‌شود تأکید بر کنش است. گروهی دیگر از گذشته‌نگرهای مکرر با هدف تعلیل کنش به کار رفته‌اند. به بیان دیگر، شخصیتی کنشی را انجام داده است و موقعیتی که شخصیت در آن قرار دارد با توجه به گذشته‌نگری ریشه‌یابی و تعلیل می‌شود. برای نمونه در گذشته‌نگری شماره ۹ (بازگویی واقعه توسط شیرین برای شاپور، آن‌جا که شاپور مأمور بازگرداندن شیرین می‌شود) موقعیت شیرین، که جایی بد آب و هواست، با توجه به گذشته‌نگری تعلیل و توجیه می‌شود و این‌که حسادت کنیزان و درباریان علت این امر بوده است. هم‌چنین است گذشته‌نگر شماره ۱۵ و ۱۶ که دلیل و علت را باید در گذشته‌نگری‌ها جست‌وجو کرد. برخی دیگر از گذشته‌نگری‌های مکرر نیز به دلیل حسرت بر گذشته است. برای نمونه گذشته‌نگری شماره ۱۲ «بر تخت نشستن خسرو بعد از پیروزی

بر بهرام چوبین و یادآوری عیش و نوش او با شیرین در ارمن» که نگاه خسرو به گذشته نگاهی حسرت‌آلود است و بر گذشته حسرت و دریغ می‌خورد یا آن‌جا که شیرین بعد از جدایی از خسرو به یاد گذشته می‌افتد (شماره ۱۳) فقط حسرت بر گذشته است که عامل به وجود آمدن گذشته‌نگری شده است. گروهی از گذشته‌نگری‌های مکرر نیز با هم رابطه دال و مدلولی دارند؛ یعنی شخصیت براساس مدلول و نشانه‌ها به دال، که در گذشته بوده و شخصیت نیز شاهد آن بوده است، می‌رسد. گذشته‌نگرهای شماره ۶ و ۸ را می‌توان در این دسته جای داد. برای نمونه در گذشته‌نگری شماره ۶ شیرین بعد از فهم ماجرای خسرو و فرارش به جانب ارمن است که به یاد چشمه‌سار و دیدن خسرو می‌افتد. هم‌چنین در گذشته‌نگر شماره ۸ سخنان شاپور برای خسرو است که نشانه‌ای می‌شود تا خسرو یاد چشمه‌سار و فهم این حقیقت، که او نظاره‌گر شیرین بوده است، بیفتد. شاید بتوان اساس این گذشته‌نگری‌ها را تداعی دانست؛ زیرا شخصیت‌ها براساس نشانه‌هایی که می‌بینند یا می‌شنوند به یاد گذشته می‌افتند. در گذشته‌نگری شماره ۳ نیز از آن‌جا که بخشی از سخنان شاپور به نوعی فریب و اغوای شیرین است می‌توان فریب و اغوا را هدف اصلی آن دانست. در گذشته‌نگرهای مکمل نیز دو هدف عمده را می‌توان عامل اصلی به وجود آمدن آن‌ها دانست: تعلیل کنش و شخصیت‌پردازی. در گذشته‌نگری شماره ۴ (آن‌جا که مهین بانو خواب خود را به یاد می‌آورد) اجازه ندادن به لشکریانش که به دنبال شیرین بروند، ممکن است دلیل اصلی این گذشته‌نگری باشد. به عبارت دیگر، این گذشته‌نگر برون‌داستانی تعلیل و توجیهی است برای این کنش مهین بانو. در گذشته‌نگری‌های شماره ۱۷ و ۲۱ نیز هدف اصلی شخصیت‌پردازی بوده است. یکی برای معرفی شخصیت فرهاد که پیش از این درباره او حرفی زده نشده بود و دیگری برای معرفی کردن و شناساندن شخصیت شیرویه.

۵. آینده‌نگری

در شش مورد آینده‌نگری در منظومه خسرو و شیرین دیده می‌شود:

۱. آن‌جا که خسرو نیای خود را در خواب می‌بیند و به او بشارت به دست آوردن بهتر از آنچه را از دست داده است می‌دهد:

نیای خویشتن را دید در خواب	که گفت: ای تازه خورشید جهانتاب
اگر شد چار مولای عزیزت	بشارت می‌دهم بر چار چیزت
یکی چون ترشی آن غوره خوردی	چو غوره زان ترشروی نکردي ...

(همان: ۴۷-۴۸)

این آینده‌نگری‌ها محقق‌الوقوع‌اند و هریک در طول داستان و با فاصله از هم محقق می‌شوند؛

۲. آن‌جا که شیرین با شب‌دیز از ملک ارمن به سوی مداین می‌رود، مهین‌بانو به لشکریان اجازه نمی‌دهد که به دنبال شیرین و شب‌دیز بگردند؛ زیرا:

چو در خواب این بلا را بود دیده که بودی بازی از دستش پریده
چو حسرت خورد از پرواز آن باز همان باز آمدی بر دست او باز

(همان: ۷۵)

این پاره‌ی روایت در عین گذشته‌نگری به بازگشتن شیرین به ملک ارمن نیز در آینده اشاره دارد و این آینده‌نگری محقق‌الوقوع و روایت‌آمیز (درون‌داستانی) است؛

۳. آن‌جا که خسرو و شیرین در چشمه‌سار از هم جدا می‌شوند نظامی با براعت استهلالی پایان داستان را نشان می‌دهد:

فلک چون کارسازی‌ها نماید نخست از پرده بازی‌ها نماید
به دهقانی چو گنجی داد خواهد نخست از رنج بردش یاد خواهد
اگر خار و خشک در ره نماند گل و شمشاد را قیمت که داند؟
بباید داغ دوری روزکی چند پس از دوری خوش آید مهر و پیوند

(همان: ۸۸)

که اشاره به عاقبت و سرانجام داستان یعنی وصال خسرو و شیرین دارد؛

۴. در بخش «جنگ خسرو با بهرام و گریختن بهرام» نظامی در وصف بهرام چوبین دو بیت می‌آورد:

چو آگه گشت بهرام جهانگیر به جنگ آمد چو شیر آید به نخجیر
ولی چون بخت روباهی نمودش ز شیری و جهانگیری چه سودش؟

(همان: ۱۶۱)

که بیت واپسین آن به سرانجام بهرام، که شکست است، اشاره دارد. این پیش‌نگاه به‌نوعی خیلی فشرده بیان شده است. «پیش‌نگاه ممکن است آن‌قدر متراکم باشد که به‌سختی بتوانیم بگوییم پیش‌نگاه روایت است. ممکن است یک یا چند کلمه که بعداً معنایی ویژه خواهند یافت، کیفیتی پیش‌نگاهانه پیدا کنند» (لوتنه، ۱۳۸۶: ۷۵). در این بیت نیز ترکیب

کناییِ روباهی نمودن بخت و هم‌چنین علامت سؤال پایان بیت، که معنایی حسرت‌آلود را بیان می‌دارد، کیفیتی را ارائه می‌دهند که در آینده دامن شخصیت مد نظر را می‌گیرند و تقریباً سربسته و فشرده به بیان آن نیز می‌پردازند و به‌نوعی غیرمستقیم‌اند.

ملک در جنبش آمد بر سر پیل سوی بهرام شد جوشنده چون نیل
برو زد پیلپای خویشتن را به پای پیل برد آن پیلتن را

(همان: ۱۶۳)

۵. آن‌جا که فرهاد وارد داستان می‌شود و همت بر کندن جوی شیر می‌گمارد، نظامی دو بیت می‌آورد درباره‌ی تلاش و کوشش انسان و این‌که آدمی همت بر هر چیزی مصروف کند به چاره‌کار نایل می‌شود به جز مرگ که به قول فردوسی:

همه کارهای جهان را در است به‌جز مرگ کاو را در دیگر است

(فردوسی، ۱۳۸۸: ب ۱۲۳۴، ۷۴۶)

ابیاتی که نظامی می‌آورد به قرار زیر است:

بنا چندان تواند بود دشوار که بنا را نیامد دست بر کار
اگر صد کوه باید کند پولاد زبون باشد به‌دست آدمیزاد
چه چاره کان بنی آدم نداند؟ به‌جز مردن، کزان بی‌چاره ماند

(همان: ۲۲۱)

اشاره به مرگ در این ابیات در حکم براعت استهلال و فضاسازی است برای شخصیت فرهاد که عاقبت او نیز مرگ است.

۶. آن‌جا که خبر مرگ فرهاد را برای خسرو می‌آورند خسرو از کرده‌ی خود پشیمان می‌شود. نظامی با پیشواز زمانی فرجام ناگوار خسرو را حاصل ظلم و ستمی می‌داند که در حق فرهاد روا داشت:

کسی کاو با کسی بد ساز گردد بدو روزی همان بد باز گردد
در این غم روز و شب اندیشه می‌کرد وزین اندیشه هم روزی قفا خورد

(همان: ۲۶۳)

در ادامه برای فهم بهتر آینده‌نگری و دامنه و گستره‌ی آن آینده‌نگرها را به‌صورت علائم اختصاری روی نمودار نشان می‌دهیم. برای هر آینده‌نگر از علامت اختصاری π که

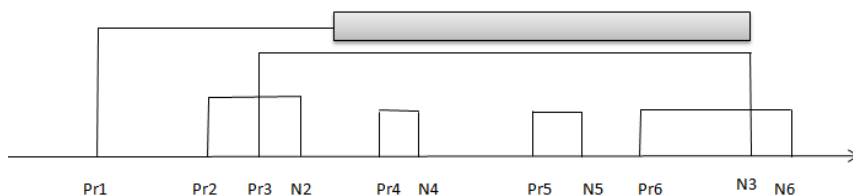
مخفف prolepsis به معنی آینده‌نگر است، استفاده شده و به تناسب هر آینده‌نگر شماره‌ای برای متمایز شدن آینده‌نگرها از یکدیگر و ارتباط آنها با زمان ارجاع قید شده است. زمان ارجاع نیز مانند زمان ارجاع گذشته‌نگرها با n مشخص شده است و به تناسب آینده‌نگرها و شماره آنها تعداد nها و شماره آنها نیز تغییر می‌کند. برای نمونه زمان ارجاع آینده‌نگر pr1 با n1 مشخص شده است و pr2 با n2 و الی آخر.

۱.۵ آینده‌نگرها

- Pr1: خسرو نیای خود را به خواب می‌بیند.
Pr2: مهین بانو به دلیل خوابی که دیده است اجازه گشتن به دنبال شیرین را به لشکریانش نمی‌دهد.
Pr3: جدا شدن شیرین و خسرو از هم در چشمه‌سار و سرنوشت آنان.
Pr4: جنگ خسرو با بهرام چوبین و سرنوشت بهرام چوبین.
Pr5: وارد شدن فرهاد به داستان و همت بستن او به کندن جوی و سرنوشت او.
Pr6: آن‌جا که خبر مرگ فرهاد را برای خسرو می‌آورند و سرنوشت خسرو.

۲.۵ زمان ارجاع آینده‌نگرها

- N1: از زمان به‌دست آوردن شب‌دیز تا زمان ازدواجش با شیرین را در بر می‌گیرد.
N2: بازگشت شیرین به ارمن.
N3: وصال خسرو و شیرین.
N4: مرگ بهرام چوبین.
N5: مرگ فرهاد.
N6: قتل خسرو به‌دست پسرش شیرویه.



نمودار ۲. دامنه و گستره آینده‌نگرها در منظومه خسرو و شیرین

نکاتی درباره دامنه (*reach*) و گستره (*extent*) آینده‌نگرها:

۱. Pr1 آینده‌نگری است که خود به چند قسمت تقسیم می‌شود، به همین دلیل زمان ارجاع آن نیز محدوده زمانی تقریباً زیادی را در بر می‌گیرد. این آینده‌نگر، که از چهار جزء تشکیل شده است، از زمان به دست آوردن شب‌دیز تا وصال با شیرین را در بر می‌گیرد؛

۲. آینده‌نگرهای pr1 و pr3 به نسبت دیگر آینده‌نگرها گستره بیشتری را در بر گرفته‌اند و همان‌طور که اشاره شد، از آن‌جا که pr1 خود به چند قسمت تشکیل می‌شود، طبیعی است گستره زمانی بیشتری را شامل شود، اما چون pr3 حول بن‌مایه اصلی داستان (رسیدن شیرین و خسرو به هم) شکل گرفته طبیعی است که تحقق این امر، یعنی به پایان رسیدن داستان، گستره زمانی بیشتری را در بر گرفته است؛

۳. همه آینده‌نگرهای این منظومه جزو آینده‌نگرهای درون‌داستانی‌اند. این امر از دو جنبه حائز اهمیت است یکی توجه نظامی به اطناب سخن و هم‌چنین هنرنمایی خود در بیان چندباره موضوع و دیگری منطقی، فهم‌پذیر بودن، پذیرفتن رخ‌دادهای داستان و هم‌چنین دوری از روایتی که شبیه روایتی پست‌مدرنیستی است. توضیح بیش‌تر آن‌که آینده‌نگری خود بر وقوع امری در آینده اشاره دارد. اگر این آینده‌نگری بعدها در روایت وارد نشود و آینده‌نگرها نیز (مانند آینده‌نگرهای این داستان) از بن‌مایه‌های اصلی داستان به‌شمار آیند، وقایع داستان تا حدودی نپذیرفتنی و مبهم می‌نمایند و همین امر نظام روایت داستان را بر هم می‌زند. از طرف دیگر، از بین رفتن تعلیق داستان، که یکی از خصوصیات و ویژگی‌های آینده‌نگری است، در داستان محقق نمی‌شود؛

۴. با توجه به نمودار می‌توان اذعان کرد که pr1 بزرگ‌ترین آینده‌نگری این منظومه است که در اصل روایت بر پایه آن بنا شده است و همین آینده‌نگری است که شخصیت اصلی داستان را به حرکت به سوی نیاز (نیازی مبهم که در طول روایت کم‌کم روشن می‌شود) برمی‌انگیزاند. آینده‌نگری pr2 نیز از آن‌جا که به سرنوشت شخصیت‌های اصلی داستان مرتبط است، بعد از pr1 گسترده‌ترین آینده‌نگری منظومه است. دیگر آینده‌نگری‌ها دامنه زمانی کوتاهی را به نسبت آینده‌نگری pr1 و pr2 در بر می‌گیرند و نقش چندانی در تعلیق روایت ندارند.

۳.۵ انواع آینده‌نگری و اهداف آن‌ها

تمامی آینده‌نگرهای خسرو و شیرین از نوع مکرر است. از آن‌جا که آینده‌نگری به نوعی زودتر بیان کردن کنش، رفتار، رخ‌داد و ... است؛ بنابراین جهشی داستانی است با هدف

آگاهی و اطلاع‌رسانی. در منظومه خسرو و شیرین نیز آینده‌نگری‌ها اهدافی را دنبال می‌کنند. تمامی آینده‌نگرها به نوعی براعت استهلال است. آینده‌نگری شماره ۱ (خواب دیدن خسرو نیای خود را) براعت استهلالی است با هدف بشارت و آینده‌نگری شماره ۲ (خواب دیدن مهین بانو...) براعت استهلالی است با هدف تعلیل کنش. دیگر آینده‌نگرها نیز براعت استهلالی‌اند با هدف بیان ایدئولوژی و اندیشه. این آینده‌نگری‌ها اصولاً قبل از سرنوشت شخصیتی بیان می‌شوند و هدف راوی بیان اندیشه‌ها و جهان‌بینی خود برای روایت‌شنو است. برای نمونه آن‌جا که فرهاد وارد داستان می‌شود و همت بر کندن جوی شیر می‌گمارد راوی فرصت را غنیمت می‌شمارد و درباره تلاش آدمی ایباتی را ذکر می‌کند. در این ایبات همه تلاش انسان مفید و دارای نتیجه ذکر شده است، به‌جز کوشش در مقابله با مرگ که چاره‌اندیشی و دوراندیشی انسان در برابر آن ناتوان است و این پلی است به سرنوشت ناگوار فرهاد. همین‌گونه است سخنان نظامی درباره خسرو هنگامی که خبر مرگ فرهاد را برای او می‌آورند مبنی بر این‌که سرانجام هر ظلم و ستمی عاقبت به خود شخص بازمی‌گردد و اشاره‌ای است به سرنوشت ناگوار خسرو و مرگ او به دست شیرویه.

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به داده‌های این پژوهش آشکار شد که نظامی در روایت داستان خود به شیوه‌های مختلف کوشیده است نظام خطی روایت را در هم شکند. زمان‌پریشی در این منظومه بیش‌تر به شیوه گذشته‌نگر (۲۱ مورد) است نه آینده‌نگر (۶ مورد). در تقسیم‌بندی گذشته‌نگرها به مکرر و مکمل، بسامد با گذشته‌نگرهای مکرر است (نسبت ۱۸ به ۳). تمامی آینده‌نگرهای این منظومه نیز از نوع مکررند. دقت در گذشته‌نگرها و آینده‌نگرها، که بیش‌تر از نوع مکررند، ما را به این نکته رهنمون می‌شود که نظامی علاوه بر نشان دادن هنر خود در بیان دوباره یک موضوع بیش‌تر کوشیده است که بدین شیوه‌ها روایتی خلق کند که اطناب شاخصه اصلی آن باشد. گذشته‌نگرها و آینده‌نگرها در این منظومه خالی از اغراض و اهداف نیستند. هریک بنا بر غرضی به‌وجود آمده‌اند و هدفی را دنبال می‌کنند. می‌توان کارکرد بنیادین گذشته‌نگرها و آینده‌نگرها را پیوند روایت‌های فرعی و اصلی با هم برای رسیدن به گره‌گشایی اصلی داستان دانست. بسامد بالای گذشته‌نگرها و آینده‌نگرها در این منظومه باعث درگیر شدن ذهن خواننده با داستان و وقایع آن می‌شود. خطی نبودن روایت خسرو و شیرین ممکن است دلیلی بر وجود چنین شیوه‌های روایتی در دنیای روایت‌های سنتی ادبیات فارسی باشد.

کتاب‌نامه

- اخوت، احمد (۱۳۷۱). *دستور زبان داستان*، اصفهان: فردا.
- بامشکی، سمیرا (۱۳۹۱). *روایت‌شناسی داستان‌های مثنوی*، تهران: هرمس.
- برتنس، یوهانس ویلم (۱۳۸۳). *مبانی نظریه ادبی*، ترجمه محمد رضا ابوالقاسمی، تهران: ماهی.
- بردول، دیوید (۱۳۸۵). *روایت در فیلم داستانی*، ترجمه سید علاء‌الدین طباطبایی، تهران: انتشارات بنیاد سینمایی فارابی.
- بیات، حسین و عسگر عسگری حسنکلو (۱۳۹۳). «زمان و روایت در رمان شب هول»، تهران: نشریه زبان و ادبیات فارسی، ش ۷۷.
- تودوروف، تزوتان (۱۳۸۲). *بوطیقای ساختارگرا*، ترجمه محمد نبوی، تهران: آگه.
- توکلی، حمیدرضا (۱۳۹۱). *از اشارت‌های دریا؛ بوطیقای روایت در مثنوی*، تهران: مروارید.
- تولان، مایکل جی (۱۳۸۳). *درآمدی نقادانه و زبان‌شناختی بر روایت*، ترجمه ابوالفضل حری، تهران: نیلوفر.
- حری، ابوالفضل (۱۳۸۷). «درآمدی بر رویکرد روایت‌شناختی به داستان روایی با نگاهی به رمان آینه‌های درداز هوشنگ گلشیری»، *پژوهش‌های زبان‌های خارجی*، ش مسلسل ۲۰۸.
- راغب، محمد (۱۳۸۸). «پژوهشی در تاریخ بیهتی بر بنیاد دانش روایت‌شناسی»، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- ریمون - کنان، شلومیت (۱۳۸۷). *روایت داستانی: بوطیقای معاصر*، ترجمه ابوالفضل حری، تهران: نیلوفر.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۸). *شاهنامه*، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.
- لوتیه، یاکوب (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر روایت در ادبیات و سینما*، ترجمه امید نیک‌فرجام، تهران: مینوی خرد.
- میرزایی، محمدسعید و فاطمه صالحی نیا (۱۳۹۴). «تحلیل روایی عنصر زمان در حکایتی از مثنوی محیط اعظم بیدل دهلوی»، *فصل‌نامه مطالعات شبه قاره*، دوره هفتم، ش ۲۲.
- نظامی گنجه‌ای (۱۳۸۹). *خسرو و شیرین*، با تصحیح و حواشی حسن وحید دستگردی و به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.

Genette, Gerard. (1980). *Narrative Discourse*, trans. Jane E. Lewin, Ithaca: Cornell University Press.

Prince, Gerard (2003). *A dictionary of narratology*, Lincoln & London: University of Nebraska press.